

بیت‌های حقوق



وزارت علوم، تحقیقات و فناوری

موسسه آموزش عالی غیر دولتی ادیب مازندران

پایان نامه کارشناسی ارشد در رشته حقوق گرایش فقه و حقوق جزا

موضوع:

بررسی بغی از منظر فقه و حقوق کیفری ایران

استاد راهنما:

دکتر حبیب اله چوپانی مرسی

نام دانشجو:

فاطمه جعفری میدانسر

شهریور ماه 97

تاییدیه هیات داوران



وزارت علوم، تحقیقات و فناوری
موسسه آموزش عالی ادیب‌اندیشان

بسمه تعالی

تعهدنامه اصالت رساله یا پایان نامه

اینجناب فاطمه جعفری میدانسر

دانش آموخته دوره کارشناسی ارشد رشته فقه و حقوق جزا در تاریخ 27 / 6 / 97 از پایان نامه خود که تحت عنوان بررسی بغی از منظر فقه و حقوق کیفری با حضور هیات داوری برگزار شد و کسب نمره 18/75 و با درجه خیلی خوب اخذ نموده ام بدین وسیله متعهد می شوم:

1) این پایان نامه حاصل تحقیق و پژوهش انجام شده توسط اینجناب بوده و در مواردی که از دستاوردهای علمی و پژوهشی دیگران (اعم از پایان نامه، کتاب، مقاله و...) استفاده نموده ام، مطابق ضوابط و رویه موجود، نام منبع مورد استفاده و سایر مشخصات آن را در فهرست مربوط ذکر و درج کرده ام.

2) این پایان نامه قبلاً برای هیچ مدرک تحصیلی (هم سطح، پایین تر یا بالاتر) در سایر دانشگاه ها و موسسات آموزش عالی ارائه نشده است.

3) چنانچه در هر مقطع زمانی خلاف موارد فوق ثابت شود، عواقب ناشی از آن را می پذیرم و واحد دانشگاهی مجاز است با اینجناب مطابق ضوابط و مقررات رفتار نموده و در صورت ابطال مدرک تحصیلی ام هیچگونه ادعایی نخواهم داشت.

نام و نام خانوادگی

تاریخ و امضا

تقدیم به

روح بلند و ملکوتی معمار کبیر انقلاب اسلامی امام خمینی (ره)

رهبر عزیزمان امام خامنه ای (مدظله)،

حافظان نظم و امنیت ،

سربازان گمنام امام زمان (عج)،

مدافعان وطن و مدافعان حرم،

"به ویژه شهید مدافع وطن محمدحسین حدادیان".

با تقدیر و تشکر فراوان از مهربانان زندگیم

پدرم، مادرم و همسرم

و نهایت سپاس از استاد راهنمای گرانقدر

جناب آقای دکتر چوپانی

فهرست مطالب

- 1 چکیده
- 2 الف) بیان مساله
- 3 ب) سوال های تحقیق
- 3 پ) فرضیه های تحقیق
- 4 ت) پیشینه تحقیق
- 5 ج) ضرورت تحقیق
- 5 چ) روش تحقیق
- 5 ح) ساختار تحقیق

فصل اول: مفاهیم و کلیات

- 6 1_1 مفهوم شناسی
- 6 1_1_1 بغی در لغت
- 7 1_1_2 بغی در اصطلاح
- 8 1_1_2_1 در اصلاح فقهی
- 10 1_1_2_2 در اصطلاح حقوقی
- 11 1_2 مفاهیم مشابه بغی
- 11 1_2_1 محاربه
- 12 1_2_2 افساد فی الارض
- 14 1_2_3 جرم سیاسی
- 16 1_2_4 نافرمانی مدنی
- 18 1-2-5 تروریسم
- 19 2_3 تاریخچه بغی

فصل دوم: مبانی فقهی جرم بغی

- 22 2_1 بغی در منابع فقه امامیه
- 22 2_1_1 قرآن
- 26 2_1_2 سنت
- 31 2_1_3 اجماع
- 31 2_1_4 عقل
- 31 2_2 ماهیت بغی
- 33 2_3 مبانی فقهی جرم انگاری بغی
- 33 2_3_1 لزوم استقرار امنیت در جامعه
- 33 2_3_2 وجوب حفظ نظام
- 34 2_3_3 لزوم صیانت از مقام ولایت
- 35 2_3_4 لزوم حفظ نظم عمومی
- 36 2_3_5 ضرورت اطاعت از حاکم و حفظ اقتدار حکومت

فصل سوم: بررسی عناصر و ارکان جرم بغی

- 37 3_1 ارکان جرم بغی
- 37 3_1_1 رکن قانونی
- 38 3_1_2 رکن مادی
- 39 3_1_2_1 مرتکب جرم بغی
- 39 3_1_2_1_1 مسلمان بودن
- 40 3_1_2_1_2 گروهی بودن
- 41 3_1_2_1_3 داشتن قدرت
- 42 3_1_2_2 رفتار مرتکب جرم بغی

- 42 3_1_2_3 وسیله ارتکاب جرم بغی
- 44 3_1_2_4 موضوع جرم بغی
- 44 3_1_2_5 نتیجه جرم بغی
- 45 3_1_3 رکن معنوی
- 46 3_1_3_1 سو نیت عام
- 46 3_1_3_2 سو نیت خاص
- 47 3_1_3_3 انگیزه
- 47 3_2 واکنش اجتماعی نسبت به جرم بغی
- 47 3_2_1 شروع به جرم بغی
- 48 3_2_2 شرکت در جرم بغی
- 50 3_2_3 معاونت در جرم بغی
- 50 3_2_4 تعدد در جرم بغی
- 51 3_2_4_1 تعدد معنوی
- 51 3_2_4_2 تعدد مادی
- 53 3_2_5 تکرار در جرم بغی

فصل چهارم: مجازات جرم بغی و رویه قضایی

- 55 4_1 مجازات باغی
- 55 4_1_1 مجازات اصلی
- 56 4_1_2 مجازات تکمیلی
- 57 4_1_3 مجازات تبعی
- 57 4_2 توبه در جرم بغی
- 58 4_2_1 نقش توبه در جرم بغی از نظر فقها

59	4_2_2 نقش توبه در جرم بغی از نظر قوانین موضوعه ایران
60	4_3 مصادیق جرم بغی در کشور ایران
60	4_3_1 غائله کردستان مرداد 58
61	4_3_2 غائله خلق عرب خرداد 58
63	4_3_3 غائله گنبد بهمن 58
64	4_3_4 توطئه حزب خلق مسلمان در آذر 58
64	4_3_5 کودتای نوژه تیر 59
65	4_3_6 فتنه بنی صدر اسفند 59
66	4_3_7 ترورهای سازمان مجاهدین خلق خرداد 60
66	4_3_8 غائله آمل بهمن 60
67	4_3_9 حادثه کوی دانشگاه تیر 78
68	4_3_10 فتنه جنبش سبز خرداد 88
69	4_3_11 حمله داعش به مجلس شورای اسلامی خرداد 96
70	4_3_12 حمله دروایش گنابادی بهمن 96

فصل پنجم: بحث و نتیجه گیری

72	نتیجه گیری
74	پیشنهادات
75	منابع
89	چکیده انگلیسی

چکیده:

مهم ترین جرم در جرایم علیه امنیت حکومت اسلامی به لحاظ تاثیر گذاری در موجودیت حکومت اسلامی جرم بغی است که قانونگذار در قانون مجازات اسلامی مصوب 1392 آن را به عنوانی جرمی مستقل جرم انگاری کرده است. وی در ماده 287 قانون مذکور باغی را گروهی دانسته است که علیه اساس نظام جمهوری اسلامی ایران قیام مسلحانه کند و طی مواد 287 و 288 برای باغی در صورت استفاده از سلاح مجازات اعدام و تحت شرایطی برای ایشان حبس تعزیری پیش‌بینی کرده است. با مطالعه مواد مذکور سوالات و ابهاماتی به ذهن متبادر می شود؛ از جمله ماهیت جرم بغی، دین مرتکب جرم، عمومی یا سیاسی بودن جرم مذکور، سازمان یافته بودن یا نبودن، مطلق بودن یا مقید بودن، مفهوم و مصادیق سلاح و... در این تحقیق که با روش توصیفی تحلیلی سامان یافته این نتیجه حاصل شده است که بغی جرمی عمومی ست با ماهیت تعزیری که در آن گروه مسلمانی به صورت سازمان یافته علیه مسلمانان دیگر شورش برده و سعی در اختلال حاکمیت اسلامی موجود دارند. باغیان با سلاح گرم یا سرد مورد تایید عرف، به قیام مسلحانه می پردازند. جرم بغی جرمی ست مطلق که علیه امام معصوم یا حاکم جامعه اسلامی در زمان غیبت امام معصوم، به وقوع می پیوندد.

واژگان کلیدی: جرم، بغی، فقه، حقوق کیفری، قانون، محاربه

الف) بیان مسأله:

یکی از کاربردهای اصلی و ضروری حقوق در جامعه، حل منازعات و حفظ نظم و امنیت است. قانون مجازات اسلامی ایران نیز با همین هدف در مواد گوناگون، به جرایم علیه امنیت و آسایش عمومی پرداخته است. از مباحثی که قانونگذار جزایی ایران به پیروی از منابع فقهی اقدام به جرم انگاری آن نموده است، بغی است. مهم ترین مستند جرم انگاری بغی آیه 9 سوره حجرات می باشد که بیان می دارد: " اگر دو گروه از مومنان پیکار کنند، میان آنان آشتی دهید. اگر یکی از آنها بر دیگری ستم کند با گروه متجاوز پیکار کنید تا به امر و فرمان خداوند برگردد. علاوه بر آیه فوق منش رفتاری امام علی (ع) با باغیان زمان خود موسوم به ناکثین، مارقین و قاسطین، مهم ترین مستند جرم انگاری و نیز شیوه های رفتار با "باغیان" را تشکیل می دهد و فقها برای بیان احکام از این منش رفتاری الهام گرفته اند.

قانونگذار ایران در ماده 287 ق م ا باغی را گروهی دانسته است که علیه اساس نظام جمهوری اسلامی ایران قیام مسلحانه کند و طی مواد 287 و 288 برای باغی در صورت استفاده از سلاح مجازات اعدام و تحت شرایطی برای ایشان حبس تعزیری پیش بینی کرده است.

این اقدام قانونگذار در حدی تلقی کردن این جرم از یک سو و پیش بینی مجازات اعدام برای آن از سوی دیگر و همچنین حذف شرایط تحقق بغی در منابع فقهی، ماهیت و احکام این جرم را با چالش جدی مواجه ساخته است. از این رو بعد از جرم انگاری بغی در قانون جدید، مسایل متعددی فراروی اهل فن قرار گرفته است. اولین موضوع قابل بررسی در نوشتار حاضر، کشف علت در زمره حدود آوردن بغی در قانون و اعدام دانستن مجازات آن است. در حالی که از منظر اکثر فقها بغی از جرایم تعزیری است. همچنین مقنن قیام مسلحانه علیه نظام حکومت اسلامی را بغی به شمار آورده در حالی که در منابع فقهی اقدام علیه امام بغی به شمار آمده است. افزون بر این اگر چه خداوند متعال در قرآن کریم از جنگ دو طایفه مومن با یکدیگر خبر داده اند اما قانونگذار کلمه گروه را به طور مطلق بیان کرده اند، لذا در باغی شمردن گروه غیر مسلمانی که علیه حکومت اسلامی قیام مسلحانه کند تردید حاصل می شود.

چنین ابهاماتی در بحث بغی فراوان دیده می شود که در نگاه اول مغایرت قانون و فقه را به مخاطب القا می کند. بنابراین جهت پاسخ به سوالات مطروحه و رفع ابهامات موجود لازم است مستندات فقهی و حقوقی بغی مورد واکاوی دقیق قرار گیرد.

اهمیت این موضوع زمانی بیشتر رخ می‌نماید که بخواهیم جرم بغی را با مسائل و مصادیق موجود و مبتلابه جامعه پژوهش درصدد پاسخگویی به سوالات و ابهامات موجود درباره بغی و همچنین حل تعارض بین فقه و حقوقی کیفری می‌باشد.

ب) سؤال‌های تحقیق:

سوالات اصلی

1- چرا قانونگذار بغی را در ردیف حدود آورده است؟

2- دلیل اختلاف مجازات بغی در فقه و حقوق چیست؟

سوالات فرعی

3- آیا قیام مسلحانه علیه امام غیر معصوم بغی محسوب می‌شود؟

4- آیا عمل گروه غیر مسلمانی که علیه حکومت اسلامی قیام مسلحانه کند بغی گویند؟

5- آیا عنوان مجرمانه‌ای افرادی که در انتخابات سال 88 اعتراضاتی را علیه حکومت اسلامی داشته‌اند بغی است؟

پ) فرضیه های تحقیق

1. با تتبع این نتیجه حاصل شده است دلیل متقنی برای حدی دانستن بغی توسط قانونگذار وجود ندارد.

2. قانونگذار ایران به علت اشتباه در ماهیت بغی، آن را در ردیف حدود و با مجازات اعدام آورده است در حالی که فقها بغی را در ردیف جرایم حدی ذکر نکرده اند و مجازات آن را تعزیری و به دست امام دانسته اند.

3. احکام مربوط به بغی علیه امام را می توان به ولی فقیه نیز تعمیم داد.

4. جرم بغی فقط شامل دو گروه مسلمان علیه هم می باشد و احکام مربوط به غیرمسلمان جداگانه است

5. جرم افراد شورش گر در سال 88 بغی است.

ت) پیشینه تحقیق

میر محمد صادقی (1392، ص 65) در کتاب جرایم علیه امنیت و آسایش عمومی بیان داشته‌اند: علی رغم تلاش قانون گذار نسب به تفکیک سه عنوان "محاربه"، "افساد فی الارض" و بغی از یکدیگر، این تفکیک چندان دقیق نیست و همپوشانی بین این سه مفهوم اجتناب ناپذیر به نظر می رسد. موجه بودن تفکیک دو عنوان بغی و محاربه از یکدیگر از آن روست که محاربه یک جرم علیه امنیت، و بغی یک جرم علیه حکومت است. در حالیکه این دو عنوان در قانون مجازات اسلامی مصوب 1370 به نوعی با یکدیگر خلط شده بودند.

گلدوزیان (1393، ص 281) در کتاب محشای قانون مجازات اسلامی آورده‌اند: شرط اساسی تحقق قیام مسلحانه که غیر از جنگ است، مسلحانه بودن قیام است اعم از اینکه قیام به نتیجه برسد یا نرسد، اما شرط است قیام علیه حکومت باشد گرچه در ظاهر ادعا شود که قیام مزبور علیه رییس دولت موجود وقت و برای سقوط دولت بوده است و نه علیه اصل نظام.

محقق حلی در شرائع الاسلام (ج 4، ص 147) بغی را در ردیف جرایم مستلزم تعزیر آورده است. شاکری گلپایگانی در کتاب سیاست جنایی اسلامی (1385، ص 265) نوشته‌اند: در مورد جرم بغی قبل از اتخاذ تصمیم از سوی امام، مجازات معینی بر باغی ثابت نیست و علاوه بر این، مجازات آن از نوع حد نیست، بلکه از مجازات های تعزیری است که اجرای آن صرفاً به دست امام است.

شهید ثانی در شرح لمعه (1403، ص 407) اظهار نموده‌اند: بغی خروج بر امام معصوم است در مقابل شیخ محمد حسن نجفی در کتاب جواهر الکلام (1404، ج 21، ص 322) بغی را بر خروج بر نائب امام معصوم نیز تسری داده اند و آن را به خروج بر امام عادل تعریف کرده اند.

مقالات و پایان نامه های مرتبط با این موضوع هم نوشته شده اند از جمله "بغی در حقوق کیفری نوشته رضا ولی زاده شهر بابکی"، "بررسی ماهیت حقوقی بغی نوشته سید نصرالدین صالحی" و "بررسی جرم بغی در فقه امامیه و حقوق ایران نوشته اسمعیل رحیمی نژاد و محدثه صفرخانی" و همچنین "واکاوی مفهوم بغی و باغی و مصداق شناسی خروج بر امام عادل و چگونگی رفتار نظام اسلامی با باغیان نوشته علی اکبر کلانتری". در مقاله اخیر آورده شده است: بر اساس شواهد و قرائن گوناگون، می توان احکام مربوط به خروج کنندگان بر امام معصوم را به خروج کنندگان و شورشیان بر ولی فقیه نیز تعمیم داد. (فصلنامه اندیشه نوین دینی، 1390، ص 110) این نوشته بر آن است تا حد توانایی خود و با توجه به اهمیت موضوع بغی به شناخت و بررسی وسیع تر در این حوزه بپردازد و ابهامات برآمده از اختلافات متون فقها و حقوقدانان را روشن گرداند.

ج) ضرورت تحقیق:

شناسایی حدی یا تعزیری بودن و ماهیت بغی و نیز شناخت مجازات متناسب آن

چ) روش تحقیق:

روش این پژوهش، توصیفی تحلیلی با تکیه بر منابع کتابخانه‌ای و اینترنتی است.

ح) ساختار تحقیق

فصل اول: مفاهیم و کلیات

فصل دوم: مبانی بغی در فقه

فصل سوم: عناصر و ارکان جرم بغی

فصل چهارم: مجازات باغی

فصل پنجم: بحث و نتیجه گیری

فصل اول: مفاهیم و کلیات

1_1 مفهوم شناسی

مهم ترین جرم در جرایم علیه امنیت حکومت اسلامی به لحاظ تاثیر گذاری در موجودیت حکومت اسلامی جرم بغی است که قانونگذار از سال 1392 آن را به عنوانی جرمی مستقل جرم انگاری کرده است. برای اینکه به مبانی فقهی و حقوقی جرم بغی و در واقع جرم انگاری جرم بغی بپردازیم، ابتدا لازم است برای آشنایی بیشتر با این جرم به ذکر معانی لغوی و اصطلاحی آن بپردازیم.

1_1_1 بغی در لغت

واژه بغی ریشه ای عربی دارد و اهل لغت برای آن معانی متعددی ذکر نموده اند از جمله می توان به تعدی (جوهری، 1410، ج 6، ص 2281)، طلب (ابن فارس، 1415، 271)، فساد (الطریحی، 1375، 172)، ظلم (فراهیدی، 1410، 181)، تجاوز ناپسند (راغب اصفهانی، 1369، 137)، حسد (ابن منظور، 1410، 78) و زن زناکار (طوسی، 1409، 46/10) اشاره کرد.

بغی و مشتقات آن 96 بار در قران کریم به کار رفته است و در فرهنگ نامه های لغات آن و منابع تفسیری بیشتر به معانی یاد شده دیده می شود (شیخ، 1412، ج 1، 348). از جمله به معنای ظلم و ستم (27 شوری، 173 بقره)، و به معنای طلب کردن (77 قصص، 83 آل عمران) و همچنین به معنای عمل منافی عفت (28 و 20 مریم، 33 نور).

از میان این معانی آنچه مورد نظر ماست، بغی به معنی تجاوز ناپسند است که در ایه 9 سوره حجرات هم، که مهم ترین مبنای قرآنی بغی ست (عوده، 1413، 671 / شاکری گلپایگانی، 1385، 256 / هاشمی شاهرودی، 1378، 233 / مرعشی، 1373، 62)، به همین معنا به کار رفته است.

خداوند متعال در این آیه می فرماید: "وَأِنْ طَائِفَتَانِ مِنَ الْمُؤْمِنِينَ فَاصْلِحُوا بَيْنَهُمَا فَإِنْ بَغَتْ إِحْدَاهُمَا عَلَى الْأُخْرَى فَقَاتِلُوا الَّتِي تَبْغِي حَتَّى تَفِيءَ إِلَى أَمْرِ اللَّهِ فَإِنْ فَاءَتْ فَأَصْلِحُوا بَيْنَهُمَا بِالْعَدْلِ وَأَقْسِطُوا إِنَّ اللَّهَ يُحِبُّ الْمُقْسِطِينَ". یعنی هرگاه دو گروه از مؤمنان با هم به نزاع و جنگ پردازند، آنها را آشتی دهید؛ و اگر یکی از آن دو بر دیگری تجاوز کند، با گروه متجاوز پیکار کنید تا به فرمان خدا بازگردد؛ و هرگاه بازگشت، در میان آن دو به عدالت صلح برقرار سازید؛ و عدالت پیشه کنید که خداوند عدالت پیشگان را دوست می دارد.

مفسرین در تفسیر این آیه گفته اند: بغی مصدر کلمه "بغت" است و به معنای ظلم و تعدی بدون حق است و معنای آیه این است که اگر یکی از دو طایفه مسلمانان به طایفه دیگر بدون حق، ستم کرد، باید آن طایفه

که تعدی کرده قتال کنند تا به سوی امر خدا برگردند و دستورات الهی را گردن نهند (علامه طباطبایی، 1404، 478-498).

در "مجمع البیان" نیز در تفسیر آیه شریفه آمده است: اگر دو گروه از مومنان با یکدیگر جنگ کردند، بین آنان را صلاح دهید تا صلح کنند، البته این آیه دلالت ندارد بر اینکه اگر دو طایفه مومن با یکدیگر جنگ کردند باز هم به ایمان خود باقی خواهند ماند و باز هم می شود به آنان مومن گفت. اما اگر یک طایفه با داشتن انتظاری نامشروع از طایفه دیگر نسبت به او ستم روا داشت چون این طایفه ستمگر است نه آن دیگری، پس با او بجنگید تا به اطاعت فرمان خدا بازگردد. (طبرسی، 1350، 132-133)

شهید ثانی در "مسالك الافهام" در بیان معنای بغی نوشته اند که بغی لغتی است بر تجاوز کردن از حد، بر ظلم و برتری خواهی و بلندپروازی اطلاق دارد. (شهید ثانی، ج 3، 91) راغب اصفهانی در کتاب "مفردات الفاظ قرآن" در ذیل لفظ بغی می گوید: بغی به معنی تجاوز از حد خود به سمت فساد است و از این جهت است که در قرآن لفظ بغی به معنی زنا به کار رفته است. راغب معنی تکبر را نیز برای بغی بیان می کند و دلیل اطلاق بغی به تکبر، تجاوز از مقام و منزلت خود به منزلتی ست که از برایش نیست و در هر جا که تکبر باشد بغی استعمال دارد. (راغب، 1412، 137)

صاحب قاموس القرآن بغی را به معنی طلب توأم با تجاوز از حد می داند و عقیده دارد این معنا با مطلق تجاوز قابل جمع است زیرا تجاوز از طلب جدا نیست و هر جا تجاوز است طلب هم است. (قرشی، 1412، 207) جوهری و ابن منظور اگرچه معانی متعددی برای بغی ذکر کرده اند اما در ذیل معنای تعدی و تجاوز قاعده ای به دست داده اند که بسیاری از استعمالات بغی را شامل می شود. ابن منظور می نویسد: اصل بغی تجاوز از حد و اندازه است و به طور کلی هر تجاوز و زیاده روی بر مقداری که حد و اندازه چیزی واقع شده باشد بغی است. (ابن منظور، 1414، 78)

با توجه به معانی مختلفی که بیان شد می توان نتیجه گرفت آن چه در بیشتر این معانی مشترک است، معنی خروج از حالت اعتدال و تجاوز از حد می باشد و در واقع بغی هر نوع ظلم، تجاوز از حد و اندازه ی هر چیزی است که به طور عادی و معمولی باید در آن حد و اندازه باشد.

2_1_1 بغی در اصطلاح

در این قسمت مفهوم اصطلاحی بغی و باغی را از منظر فقهی و حقوقی بررسی می کنیم.

1_1_2_1 بغی در اصطلاح فقهی

لفظ بغی را اولین بار پیامبر اکرم (ص) در معنی اصطلاحی آن مطرح نمودند. فئه باغیه که از مشتقات بغی است از کلمات رسول گرامی (ص) می باشد که برای نخستین بار آن را درباره قاتلان عمار به کار بردند و خطاب به عمار فرمودند: تو را گروه ستمگر و متجاوز می کشند "یا عمار تقتلک الفئة الباغیة". (علامه امینی، الغدیر، ج 9، 22 - 21 / کافی، ج 5، 11). واژه بغی و مشتقات آن در احادیث دیگر به ویژه سخنان امیرمؤمنان، علی (ع) به معنای عصیان و سرکشی در برابر امام و حاکم اسلامی نیز به کار رفته است. (نهج البلاغه، خطبه 97 و 192). از جمله آن حضرت تعبیر "اهل بغی" را درباره محاربان با ایشان یعنی ناکثان، قاسطان و مارقان به کار برده اند و در نامه ای به معاویه، بدان توسل جسته اند. (نهج البلاغه، نامه 48) در اصطلاح فقه آرای متفاوتی میان فقیهان مطرح است که در مبحث ذیل به آن اشاره می کنیم:

فقهای شیعه یکی از اقسام جهاد را "جهاد علیه باغیان بر امام" دانسته و عموماً در آخر کتاب الجهاد به بحث و بررسی پیرامون آن پرداختند، هرچند بعضی از فقها در یک کتاب مستقل در کنار مسائل مربوط به حدود و قصاص و دیات "بغی" را مطرح کرده اند. (طوسی، 1387، 262)

شیخ طوسی اولین فقیه شیعی است که تعریفی از اصطلاح بغی بیان داشته است. ایشان در النهایه می نویسد: "هرکس خروج بر امام عادل کند و بیعت بشکند و با احکام حاکم مخالفت کند پس او باغی است" (شیخ طوسی، 1400، 296). او در الخلاف فرموده است: "باغی کسی است که بر امام عادل خروج می کند و با او می جنگد و از تسلیم حق به او امتناع می ورزد". (ج 2، 428) و در کتاب الجمل و القود می گوید: "هرکس امام عادل را بکشد پس او باغی ست" (شیخ طوسی، بی تا، 159)

در شرح لمعه آمده است: "بغی عبارت است از خروج از اطاعت امام عادل" (شهید اول، ج 9، 290). محقق کتاب التشریح الجنایی نیز در این باره گفته است: "بغات چنانچه فقهای امامیه معنا می کنند کسانی هستند که بر امام عادل خروج می کنند و با او می جنگند و از تسلیم حقی امتناع می ورزند (عوده، ج 1، 145). از نظر نیشابوری نیز "بغات گروهی هستند که با امام مسلمین مخالفت کنند و برای خود توجیه و تاویل باطلی داشته باشند، و این بطلان ظنی باشد و نه قطعی" (نیشابوری، ج 26، 157).

به اعتقاد سمرقندی "بغات گروهی هستند که دارای قوت و قدرت هستند و در بعضی از احکام با تاویل و توجیه با مسلمانان مخالفت می نمایند، مانند خوارج و دیگران" (سمرقندی، ج 3، 153). عبدالقادر عوده در

تشریح الجنائی می گوید: "بغات گروهی هستند که با توجیهی به ظاهر مورد قبول علیه امام خروج و قیام می کنند و دارای قدرت و نیرو هستند" (عوده، 137 و 144).

صاحب کتاب الفقه گفته "بغات در اصطلاح شرعی کسانی هستند که بردولت اسلامی که بصورت صحیح به وجود آمده است قیام می کنند و فرقی نمی کند رهبر دولت، پیامبر، امام خاص یا نائب عام یعنی فقیه جامع شرایط باشد" (حسینی شیرازی، 1408، 131).

عده ای از فقیهان در تعریفی که از بغی ارائه داده اند آن را شامل خروج امام معصوم می دانند و می گویند: "هر کس بر علیه امام معصوم خروج کند باغی است و جنگ با او واجب است. باید با او جنگید تا به اطاعت امام معصوم برگردد یا همانند کفار کشته شود (عاملی، 1410، 83 / طباطبایی حائری، 1418، 480).

صاحب جواهر بغی را "خروج از اطاعت امام عادل" تعریف کرده (نجفی، 1404، 322) و علامه حلی آن را "خروج از اطاعت امام" بدون صفت عادل می داند. به طور کلی در تعاریفی که از بغی در کلام فقهای شیعه وجود دارد می توان به موارد زیر اشاره کرد:

الف: عده ای از فقیهان در تعاریفی که از بغی ارائه داده اند آن را شامل "خروج از امام معصوم" می دانند و می گویند هرکس علیه امام معصوم خروج کند باغی است و جنگ با او واجب است و باید با او جنگید تا به اطاعت از امام معصوم برگردد یا همانند کفار کشته شود. (عاملی (شهید اول)، 1410، 83) (شهید ثانی، 1410، 407)

ب: غالب فقها بغی را "خروج بر امام عادل" می دانند و می گویند: باغی کسی است که بر امام عادل خروج کند (شیخ طوسی، 1407، 335) (ابن ادریس حلی، 1410، 15) (علامه حلی، 1414، 391)

ج: در برابر این دو گروه دسته دیگری هستند که "خروج از اطاعت حاکم" را باغی می دانند. (نجفی، 1404، 322)

به نظر می رسد نباید در تعمیم احکام مربوط به بغی و باغیان، به شورشیان و خروج کنندگان بر حاکمیت فقیه جامع شرایط تردید نمود زیرا با توجه به اطلاق ادله بغی نمی توان آن را مختص به خروج بر امام معصوم دانست بلکه شامل خروج بر نائب امام در زمان غیبت نیز می شود و شاید بعضی از فقها که فکر می کردند جرم بغی اختصاص به خروج بر امام معصوم دارد منشأ آن این بوده که چون در زمان حضور امام حکومت و ولایت فقط به او اختصاص داشته است روایات وارده بر بغی را حمل بر خروج امام معصوم نموده اند اما با توجه به اینکه مورد نمی تواند مخصص باشد باید به اطلاق روایات عمل نمود.